

ایران هراسی

نویسنده : رضا سراج

راهبرد جدید جنگ روانی آمریکا بر ضد ایران

ایران هراسی، یکی از راهبردهای تبلیغاتی و جنگ روانی در سیاست خارجی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی، برضد جمهوری اسلامی ایران است. راهبرد ایران هراسی، همزاد و مترادف با راهبرد اسلام هراسی و امواج آن می باشد. این راهبرد در طی سی ساله گذشته، همواره توسط دولت های ایالات متحده آمریکا - چه جمهوری خواه و چه دموکرات - به صورت پیوسته، در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی این کشور، پی گیری شده است.

علت اتخاذ راهبرد ایران هراسی

علت اتخاذ راهبرد ایران هراسی، به شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران باز می گردد. انقلاب اسلامی، ایران را کانون توجهات جهان اسلام قرار داد. این مهم به همراه موقعیت ژئواستراتژیک کشورمان، باعث شد که ایران به بازیگری تاثیرگذار بر مناسبات دو منطقه خاورمیانه عربی و جنوب غرب آسیا تبدیل شود. در چنین شرایطی عملاً منافع آمریکا را به چالش کشیده، به گونه ای که کاندولیزا رایس صراحتاً اعلام کرد که ایران، تنها کشوری است که مهم ترین چالش های استراتژیک را برای ایالات متحده و شکلی از خاورمیانه که ما خواهان ایجاد آن هستیم، پدید آورده است.

در همین راستا، «ری تکیه» در مقاله ای با عنوان «هزینه های بازدارندگی ایران» - که نشریه تصمیم ساز «فارین افروز» در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۸م. آن را منتشر کرد - به برخی از چالش ها اشاره می کند و اذعان می دارد که «ایران، مشکلاتی اساسی برای ایالات متحده، پدید آورده است. تلاش ایران برای دست یابی به توانایی های هسته ای، حضور موفق ایران در عراق، مخالفت آزار دهنده ایران با فرایند صلح [ارژیم جعلی] اسرائیل و فلسطین، فهرستی سهمگین از گلایه های آمریکا از ایران را تشکیل می دهد.»

محورهای ایران هراسی

آمریکا و برخی از کشورهای غربی، همواره با رویکرد تخصی مسائل مرتبط با ایران را منعکس می نمایند؛ به گونه ای که جمهوری اسلامی ایران در نظر مخاطب، تهدیدی بر ضد صلح و امنیت منطقه و جهان معرفی می شود.

رصد و محوریابی جنگ روانی نظام سلطه برضد ایران، موید این موضوع است و راهبرد ایران هراسی، مشتمل بر هفت محور می باشد که عبارتند از:

۱. القای دسترسی به سلاح های هسته ای.
۲. حمایت ایران از تروریسم.
۳. نقض حقوق بشر در ایران.
۴. القای تهاجمی بودن فناوری های دفاعی ایران.
۵. دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورها.
۶. اسلامی بودن نظام سیاسی در ایران.
۷. القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه ای.

مخدوش جلوه دادن ماهیت و ارکان نظام دینی و رویکرد تخصیصی نسبت به ایران، نقطه مشترک تمامی محورهای ذکر شده می باشد که برآیند آن، چهره ای از جمهوری اسلامی را در ذهن مخاطب ترسیم می کند که بر پیش فرض و انگاره ایجاد هول و هراس، استوار است.

تاکتیک ها و تکنیک های ایران هراسی

دست کاری و فریب افکار عمومی و وارد کردن بازی گران در زمین بازی و نقش های تعیین شده از سوی آمریکا، هدف نهایی راهبرد ایران هراسی است که لازمه تحقق آن، اجرای دقیق تاکتیک ها و تکنیک های متنوع، هدفمند و پیچیده می باشد. برخی از این تاکتیک ها و تکنیک ها عبارتند از:

۱. بهره گیری از بار منفی واژه ها، کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی (نسبت دادن بنیادگرایی به ایران).
۲. وانمایی و سیاه نمایی در خصوص ایران (تهیه و نمایش فیلم ضد ایرانی ۳۰۰).
۳. بهره گیری از تاکتیک ارباب (القاء خطر فناوری موشکی ایران برای اروپا).
۴. انگاره سازی های هدفمند (قراردادن تصویر آقای احمدی نژاد در کنار تصویر هیتلر).
۵. استفاده از تاکتیک همسان سازی (قرار دادن نام سپاه در فهرست سازمان های تروریستی).
۶. تحریف اخبار مرتبط با ایران (غیر صلح آمیز معرفی کردن پیشرفت های هسته ای ایران).
۷. القای مستقیم و غیرمستقیم (معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان).
۸. بهره گیری از تکنیک تکرار (ایران به دنبال تسلط بر کشورهای منطقه می باشد).

موارد مذکور در واقع بخش هایی از تاکتیک ها و تکنیک های مورد استفاده در راهبرد ایران هراسی می باشند که به طور معمول، در خصوص ایران، مورد استفاده مقامات و رسانه های آمریکایی و اروپایی قرار می گیرند.

امواج ایران هراسی

موج اول ایران هراسی، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به مرحله اجرا گذاشته شد. با عملیاتی شدن موج اول این راهبرد، کشورهای عربی منطقه در شرایطی هول انگیز قرار گرفته، وادار به بازی در زمین معین شده از سوی آمریکا و لابی صهیونیسم شدند. هول و هراس ایجاد شده در بین کشورهای منطقه و جاه طلبی صدام، عملاً پازل جنگ افروزی آمریکا را کامل کرد و جنگی همه جانبه و گسترده را با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی، به ایران تحمیل کرد. از سوی دیگر، اجرای موج اول ایران هراسی، موضوع فلسطین را نیز از کانون توجهات عرب خارج ساخت و این مهم، فرصت مناسبی را برای رژیم جعلی اسرائیل فراهم کرد؛ تا اقدام به کشتار گسترده و وحشیانه فلسطینی ها و آواره کردن آنان کند. در واقع، در سایه موج اول ایران هراسی بود که رژیم اشغال گر قدس، توانست جنوب لبنان را به اشغال خود درآورد.

موج دوم ایران هراسی

از آن جا که ایران هراسی، همزاد و مترادف با اسلام هراسی است، همزمان با موج دوم اسلام هراسی، دومین موج ایران هراسی نیز آغاز شد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، با معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت، عملاً موج دوم ایران هراسی در سیاست خارجی آمریکا، شکل گرفت. نومحافظه کاران جنگ سالار با انگاره سازی و تقسیم جهان به خیر و شر، سعی در القای این مفهوم داشتند که ایران، نقطه کانون شرارت در جهان است.

موج سوم ایران هراسی

به دنبال شکست سیاست های خاورمیانه ای آمریکا، موج سوم ایران هراسی نیز کلید زده شد و پیروزی اصول گرایان و تاکید آنان بر پایداری در سیاست خارجی ایران و همزمانی آن با وقوع تحولات منطقه ای، توازن قدرت در منطقه را به سود ایران تغییر داد. پس از آن، با احساس نگرانی عمیق واشنگتن از تحکیم محور ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین، راهبرد ایران هراسی بیش از پیش، مورد تاکید سران کاخ سفید قرار گرفت. وقوع جنگ ۳۳ روزه و پیروزی حزب الله لبنان از یک سو و ناکامی های پی در پی آمریکا در منطقه و عراق، شرایط را برای کاخ سفید، بحرانی تر و دشوارتر کرد. از این رو، نومحافظه کاران جنگ سالار، راه خروج از بحران را در گرو توازن قدرت و بازدارندگی ایران یافتند. بنابراین، عملیاتی کردن موج سوم ایران هراسی، ناظر بر ایجاد بازدارندگی و مهار منطقه ای ایران است.

اهداف پیدا و پنهان ایران هراسی، عبارتند از:

۱. انتقال بحران از مدیترانه به خلیج فارس

کاخ سفید با تاکید بر راهبرد ایران هراسی، در واقع سعی دارد بر تحولات منبعث از پیروزی بزرگ حزب الله در جنگ جولای ۲۰۰۶م. مدیریت نماید. در این راستا با تمرکز بر روی این راهبرد و انتقال بحران به خلیج فارس، عملاً سعی دارد وضعیت امنیتی رژیم اسرائیل را بهبود بخشیده، همانند موج اول ایران هراسی، برای این رژیم جعلی، فرصت سازی نماید.

۲. سرعت بخشیدن به روند سازش اعراب و رژیم صهیونیستی

واشنگتن در موج دوم ایران هراسی به دنبال این هدف می باشد که با ایجاد هول و هراس از قدرت نفوذ ایران در منطقه در بین کشورهای عربی، این کشورها را وادار به بازی کردن در میدان بازی تعیین شده نماید. فرآیند کانالیزه کردن کشورهای عربی منطقه، پازل آمریکا و لابی صهیونیسم را در جهت ایجاد جبهه عربی - اسرائیلی، کامل می کند. تشکیل جبهه موصوف، از یک سو اجرای مصوبات نشست پاییزی موسوم به آنابولیس را امکان پذیر می سازد و از سوی دیگر، شرایط را برای به رسمیت شناختن رژیم جعلی اسرائیل، فراهم می کند.

۳. تشکیل ناتوی عربی از عمان تا لبنان

بازدارندگی در برابر قدرت ایران از طریق همکاری دولت های عربی منطقه، یکی از اهداف دیگر راهبرد ایران هراسی و اساس سیاست خارجی آمریکاست. در واقع، هدف واشنگتن از تاکید بر موج سوم ایران هراسی، جدا کردن ایران از همسایگان عرب و ایجاد بلوک عربی (ناتوی عربی) متشکل از شش کشور حاشیه خلیج فارس، مصر، اردن و آمریکا (۱+۲+۶) در برابر ایران می باشد.

۴. مهار منطقه ای ایران

عملیاتی شدن راهبرد ایران هراسی، ناظر بر تلاش واشنگتن برای سوزاندن برگ های برنده ایران در منطقه است. کاخ سفید با ایجاد هول و هراس در کشورهای عربی، سعی دارد آنان را وادار به نقش آفرینی در عراق، لبنان و فلسطین، مطابق با سیاست های خود نماید.

از این رو، همزمان با درخواست «رایان کروکر»، سفیر آمریکا در عراق، برای بازگشایی سفارت خانه های کشورهای عربی در بغداد، رابرت گیتس، وزیر دفاع این کشور نیز در گفت و گو با یک شبکه عربی به کشورهای مذکور توصیه

کرده که اگر می خواهند در عراق تنها صدای یک همسایه و آن هم ایران شنیده نشود، فوری سفیران خود را به عراق اعزام نمایند.

۵. منزوی ساختن ایران در عرصه بین المللی

زمینه سازی برای منزوی ساختن ایران در عرصه بین المللی، هدف دیگر اجرای راهبرد ایران هراسی می باشد. واشنگتن با تاکید بر راهبرد مذکور، در واقع، سعی دارد مدل کره شمالی را برای متوقف ساختن فعالیت های هسته ای ایران، پیاده سازی کند. همچنین اجرای راهبرد ایران هراسی به گمان آمریکا، می تواند باعث شکل گیری اجماع ضد ایرانی در جهان شده، بازی گران رسمی و غیررسمی را با سیاست های ایران ستیزانه کاخ سفید، همراه نماید.

۶. ایجاد مسابقه تسلیحاتی در منطقه

میلیتاریزه شدن سیاست خارجی آمریکا، هزینه های زیادی را متوجه این کشور کرد؛ به گونه ای که جنگ عراق تاکنون ۷۰۰ میلیارد دلار برای کاخ سفید، هزینه در برداشته و دست کم ۳ هزار میلیارد دلار بر اقتصاد آمریکا، خسارت وارد کرده است. از این دیدگاه، راهبرد ایران هراسی، در واقع، وادار کردن کشورهای عربی به مسابقه تسلیحاتی با ایران می باشد؛ تا واشنگتن از محل فروش تسلیحات، بتواند بازار سودآوری را برای خود مهیا سازد.

۷. توجیه حضور نظامی و اشغال گری آمریکا در منطقه

انگاره سازی برای کشورهای منطقه و هراساندن آنان از ایران، فرایندی است که در واقع، حضور نظامی آمریکا در منطقه و اشغال گری آن را توجیه می کند. این موضوع، زمانی اهمیت خود را بیش از پیش نمایان می سازد که موج نفرت و انزجار در منطقه، نسبت به عملکرد آمریکا، فزونی یافته است. بنابراین، ایران هراسی، راهبرد تبلیغاتی و جنگ روانی است که ناظر بر ترمیم قدرت نرم آمریکا در منطقه می باشد.

۸. تسلط بر منابع نفتی منطقه

آمریکا با عملیاتی کردن راهبرد ایران هراسی، علاوه بر این که حضور خود را در منطقه توجیه و تثبیت می کند، امکان تسلط خود بر منابع انرژی منطقه را نیز مهیا می سازد. منابع ۲۲ میلیارد بشکه ای نفت آمریکا طی ۱۱ سال آینده، به پایان خواهد رسید و این کشور، مجبور خواهد شد روزانه ۵۲ میلیون بشکه نفت خام خریداری کند. از این دیدگاه، راهبرد ایران هراسی، رابطه مستقیمی با تأمین انرژی مورد نیاز آمریکا در کمتر از ربع قرن آینده دارد؛ زیرا در چند سال آینده به دلیل مصرف فزاینده داخلی، امکان صادرات نفت از برخی کشورهای صادرکننده، گرفته

خواهد شد و تنها عربستان، عراق و ایران کشورهایی خواهند بود که در ۳۰ سال آینده، می توانند صادرات نفت داشته باشند. بنابراین، ایران هراسی، در واقع، پلی است که واشنگتن سعی دارد با عبور از آن، از یک سو تحولات آینده داخلی خود را مدیریت کند و از سوی دیگر، بحران های منطقه ای و بین المللی فراروی آمریکا را مهار کند.

منبع:

جنگ روانی، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.

سوتیتر

موج اول ایران هراسی، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به مرحله اجرا گذاشته شد. با عملیاتی شدن موج اول این راهبرد، کشورهای عربی منطقه در شرایطی هول انگیز قرار گرفته، وادار به بازی در زمین معین شده از سوی آمریکا و لابی صهیونیسم شدند

زمینه سازی برای منزوی ساختن ایران در عرصه بین المللی، هدف دیگر اجرای راهبرد ایران هراسی می باشد. واشنگتن با تاکید بر راهبرد مذکور، در واقع، سعی دارد مدل کره شمالی را برای متوقف ساختن فعالیت های هسته ای ایران، پیاده سازی کند

منابع ۲۲ میلیارد بشکه ای نفت آمریکا طی ۱۱ سال آینده، به پایان خواهد رسید و این کشور، مجبور خواهد شد روزانه ۵۲ میلیون بشکه نفت خام خریداری کند. از این دیدگاه، راهبرد ایران هراسی، رابطه مستقیمی با تأمین انرژی مورد نیاز آمریکا در کمتر از ربع قرن آینده دارد.